



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکریم
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سخنرانی



درنگی در راهبردهای امامان
شیعه در مسئله غدیر

حجة الاسلام حامد کاشانی

موسسه تحقیقات و پژوهش‌های فائمه اسفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درنگی در راهبردهای امامان شیعه در مسئله غدیر

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	درنگی در راهبردهای امامان شیعه در مسئله غدیر
۶	مشخصات مقاله
۶	علت اهمیت پرداختن به مسئله ی غدیر
۶	علت عدم بیان روایات مسند به رسول خدا توسط امام باقر و امام صادق علیهم السلام
۸	بازگردان تقدس اهل بیت توسط امام باقر و امام صادق علیهم السلام
۹	تغییر استراتژی اهل بیت در اسناد روایات خود به پیامبر صلوات الله علیه
۱۱	اختلاف اهل سنت در تحلیل حدیث ائمه ی اثنی عشر
۱۲	اصل روایت ائمه ی اثنی عشر در روایات شیعه
۱۳	کمک اهل بیت علیهم السلام به اهل سنت در تحلیل روایت ائمه ی اثنی عشر
۱۳	اهمیت مسئله ی غدیر در نزد اهل بیت علیهم السلام
۱۴	ایجاد اشکال برای اهل سنت در تبدیل لفظ امام به سلطان
۱۷	سند صحیح زیارت غدیریه ی امام هادی علیه السلام
۱۸	اهمیت مطرح شدن مسئله ی امامت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر
۱۹	عظمت روز عید غدیر
۲۰	عدم بیان مسائل اختلافی در بیان عظمت عید غدیر
۲۱	اولویت داشتن دلالت شیعه در مورد حدیث غدیر نسبت به اهل سنت
۲۲	بیان عظمت شأن و مقام امیر المؤمنین علیه السلام در بین بزرگان اهل سنت
۲۳	ترغیب بزرگان و شعرا در بیان خطبه ی غدیریه
۲۵	درباره مرکز

حجت الاسلام کاشانی

روز دوشنبه مورخ 29 شهریور 1395 به سخنرانی پیرامون مسئله «درنگی در راهبردهای امامان شیعه در مسئله غدیر» در حوزه علمیه مروی پرداختند که مشروح این جلسه تقدیم می گردد.

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

عَلَّتْ اَهْمِيَّتْ پَرَاخْتِن بَه مَسْئَلَه ي غَدِير

صوت

Your browser does not support the audio tag.

یک مقدمه ای را عرض می کنم که آخرین باری که خدمت شما رسیدم را تکمیل بکنم که به بحث غدیر ربط داشت. ممکن است این سؤال در ذهن ما مطرح بشود که از لحاظ تئوری چرا باید به مسئله ی غدیر پردازیم؟ این جا خیلی حرف ها می شود زد؛ منتها بنده اخیراً در آستانه ی شهادت حضرت صادق سلام الله علیه جلسه ای محضر شما بودم، آن جا نکاتی را خدمت شما عرض کردم که یک تکلمه ای دارد که دقیقاً به بحث امروز مرتبط است که شأن علمی حضرات هم رعایت بشود.

ص: 1

عَلَّتْ عَدَم بِيَان رَوَايَات مَسْنَد بَه رَسُول خَدَا نَوْسَطْ اِمَام بَاقر و اِمَام صَادق عَلَيْهِم السَّلَام

اگر مسئله ی غدیر مسئله ی شماره ی یک و از اولویت های ائمه ی هدی علیهم صلوات الله نبود، این دو سه مصداقی را که می خواهم عرض بکنم نباید انجام می دادند، در حالی که انجام دادند. یک سه چهار دقیقه ای ما حصل آنچه را که در شهادت حضرت صادق علیه السلام عرض کردیم را بیان می کنم، ادامه ی آن را این جا می گویم. اگر به خاطر داشته باشید عرض کردیم وقتی اوج شهرت علمی امام باقر صلوات الله علیه و امام صادق علیه الصلاه و السلام اتفاق افتاد، نهصد نفر در کوفه می گفتند: «حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ» یا مثلاً «كَانَ الْعُلَمَاءُ يَقْصِدُونَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ كُلِّ أَقْصَى» از همه جا آمدند؛ از مصر آمدند، از ماوراء النهر آمدند که پای درس این مرد اهل بیت پیغمبر بنشینند؛ این افضل اهل بیت را ببینند چه فرمایشی می کند؛ آن جا استراتژی این دو بزرگوار این بود که عمداً

ص: 2

روایات خود را به کلام رسول خدا مسند نمی کردند، مرفوع نمی کردند. یعنی کلام را به کلام پیغمبر صلوات الله علیه نمی رساندند. حکم شرعی را بیان می کردند.

نگاه بکنید عمده ی فرمایشات حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السّلام، قال الباقر علیه السّلام، قال ابا عبدالله علیه السّلام است؛ عمده ی آن ها این است، اکثریت مطلق آن این است. این سر داشت؛ -آن جا بحث مفصل کردیم الآن فقط نتایج آن را عرض می کنم- اولین آن این بود که دست اجانب غیر شیعه را از این روایات کوتاه کردند. برای امثال ابو حنیفه قال الصّادق علیه السّلام فایده نداشت. ابو حنیفه که نمی گفت: امام من، امام صادق است. ابو حنیفه می گفت: من فقیه هستم. وقتی بخواهم مستند فتوا قرار بدهم، قال الصّادق که برای من مفید نیست، قال رسول الله برای من مناسب است. اگر می خواست به قال الصّادق علیه السّلام عمل بکند، باید می گفت: امام من، امام صادق است که خوب معلوم بود این را قبول نمی گرفت. ابو حنیفه زمان امام باقر علیه السّلام داعیه دار امامت بوده است. بعضی ها مثل این تیمیه می گفتند: چون سنّ ابو حنیفه خیلی زیادتر از امام صادق علیه السّلام بوده است و زمان امام باقر علیه السّلام خود او صاحب فتوا بوده است، نمی توانسته است از امام صادق علیه السّلام استفاده ی علمی بکند -البته دیگران جواب او را دادند- یعنی حداقل در ادّعا خود او برای خودش کسی بوده است (آدم مهمّی بوده است). نمی توانستند بیایند به این بگویند: چرا این فتوا را دادی؟ بگوید: چون قال الصّادق علیه السّلام. خوب این یعنی تمام.

اصلاً امام باقر و امام صادق علیهم السّلام این

کار را کردند که او نتواند استفاده بکند. اصلاً سطح امام در حدّ راوی پایین نیاید. بگویند: یکی از رواه از... بعد از فلانی، فلانی، فلانی از پیغمبر صلوات الله علیه روایت کردند، یکی هم این جعفر بن محمد است که از آباء خود نقل کرده است. این هم یک طریق به پیغمبر است. به این شکل امام باقر و امام صادق در حدّ یک راوی می شدند. روایت آن ها هم در عرض سایر رواه می شد. حالا می گفتند: بله، این ها ثقات هستند. پدر از پسر، پسر از پدر خلاصه به پیغمبر می رسند، این هم یک طریق خوبی است. حالا مثلاً سند آن عالی است. این فایده ای نداشت. این کار را کردند، جلوی آن ها را گرفتند.

بازگردان تقدّس اهل بیت توسط امام باقر و امام صادق علیهم السلام

اسرار دیگر هم داشت. اگر به یاد داشته باشید عرض کردیم این قال الصادق علیه السلام مستقیم حکم خدا را دادند، اخبار عن الله بود. اخبار عن الله هم کار نبی است. یعنی کسی که داشت حکم خدا را مستقیم بدون روایت و بدون مسیر اجتهادی می داد... یا باید اجتهاد کرد، یا باید روایت کرد. مستقیم حکم خدا کردن اخبار عن الله است. یعنی آن شخص بر مسند نبوت... امام باقر و امام صادق علیهم السلام بر مسند تالی تلو نبوت نشسته بودند. این برای اعاده ی حیثیت، بازگرداندن تقدّس به شأن اهل البیت، مرجعیّت علمی اهل البیت علیهم السلام بود، این را بحث کردیم. نتیجه هم این شد که عدّه ی زیادی از پای درس امام باقر و امام صادق علیهم السلام جدا شدند، توهین کردند. هنوز هم در اهل سنت تاریخ فقه می نویسند، فقه شیعه را بررسی نمی کنند؛ می گویند: فقه غیر

نظام مند است؛ چون روایات آن به پیامبر منتهی نمی شود. ائمه می دانستند، می خواستند فاصله ایجاد نکنند. از طرفی آن کسانی که پای درس امام باقر و امام صادق علیهم السلام نشستند، پای درس کسی نشستند که مستقیم حکم الله را بیان می کرد، اخبار عن الله می کرد. دیگر عصمت دارد و به جمیع معالم دین علم دارد؛ این دیگر یکی از واضحات بود.

قرائن زیادی عرض کردیم از جمله این که وقتی امام باقر علیه السلام به شهادت رسید، محضر امام صادق علیه السلام رسیدند، شیعیان می خواستند به امام صادق علیه السلام بگویند که ما چه بزرگی را از دست دادیم، به امام صادق علیه السلام عرض کردند: پدر شما را از دست دادیم که وقتی حکم خدا می داد یا با 80 سال فاصله قال رسول الله می گفت، ما شک نداشتیم این کلام پیامبر است که همان جا هم امام صادق علیه السلام سر خود را بلند کردند، فرمودند: قال الله تبارک و تعالی. یعنی هنوز سفره ادامه دارد. این را در شهادت امام صادق علیه السلام بحث کردیم.

تغییر استراتژی اهل بیت در اسناد روایات خود به پیامبر صلوات الله علیه

اما بحث امروز: اگر بحث امامت امیر المؤمنین علیه السلام، اصلاح عقیده ی امت یک مسئله ی کهنه ای است، گذشته است، تاریخی است، آن را رها نکنیم، اهمّیت ندارد، این کاری که می خواهیم عرض بکنم نباید می کردند. آن استراتژی را مفصّل توضیح دادیم. معمولاً بنای اهل بیت علیهم الصّلاه و السلام این بود که اصلاً اسناد ندهند، مسند حدیث نگویند. یک جاهایی استثنائاً مطالعه بفرمایید اهل البیت علیهم السلام به ویژه امام باقر و امام صادق علیهم السلام حدیث را مسند کردند تا پیغمبر. خلاف آن استراتژی که در شهادت امام

صادق علیه السلام گفتیم. خیلی موارد آن محدود است. چرا؟ چون یک انگیزه ی دیگری بوده است. یکی از موردهای آن مثلاً فرض کنید امام رضا علیه الصّلاه والسّلام در آن جمع پر شور نیشابوری که افرادی که پای آن صحبت نشستند مثل ابو زرعه رازی سند سیصد هزار حدیث را حفظ هستند، این ها که حدیث نشنیده نبودند، آمده بودند یک حدیث از اهل بیت پیغمبر صلوات الله علیه به یادگار بگیرند. لذا آن جا حضرت رضا صلوات الله علیه... یعنی در واقع آن روز بیشتر از این که محتوا برای آن ها اهمّیت داشته باشد -مصادر تاریخی را هم نگاه بکنید وجود دارد- می گویند: یابن رسول الله همه ی ما محدّث و خلاصه حوزه دار هستیم. آمدیم یک چیزی، حدیثی از اهل البیت رسول الله به ما بدهید. لذا آن جا فرمود: «حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ»⁽¹⁾ تا به حضرت رسول رسید؛ یک انگیزه آن جا بود.

بیان روایات ائمه ی اثنی عشر علّت تغییر استراتژی اهل بیت

می خواهم بگویم وقتی مسند حدیث می گویند -در بحث رجال هم مطرح است- یک دلیلی دارد، اسناد بدهند. دو مورد از آن جاهایی که تعدّد دارند اکثر آن ها اسناد بدهند این دو موردی است که می خواهم عرض بکنم. خلاف آن استراتژی. یعنی یک هدف دیگری باعث شده است، در این دو مورد اهم شده است، آن ها کار اصلی را که انجام می دادند انجام ندادند. یک در مورد روایات ائمه ی اثنی عشر. این روایت از رسول خدا رسیده بوده است. درون شیعه هم به صورت مخفیانه منتشر می شده است. امام باقر و امام صادق صلوات الله علیها می بینند دیگران مسئله ی ائمه ی 12 گانه را لوث کردند. این را به

ص: 6

اختلاف اهل سنت در تحلیل حدیث ائمه ی اثنی عشر

البته بعد هم اهل سنت به شدت در آن به اشکال برخورد کردند. ابن جوزی در آن شرح مهمی که به روایات مشکله ی بخاری و مسلم به نام کشف المشکل دارد، می گوید: «فَد أَطَلَّتْ الْبَحْثُ عَنْهُ» من خیلی در این موضوع بحث کردم. «سَأَلْتُ عَنْهُ» سؤال کردم «لَمْ أَلْقَ أَحَدًا يَقْطَعُ بِمَعْنَى» احدی را ندیدم که بداند معنی این حدیث ها چیست که 12 تا حاکم هستند «اذ لَا يَزَالُ أَمْرُ الدِّينِ قَائِمًا»، «لا يزال الاسلام عزيزاً منيعاً الا اثنی عشر خلیفه» الا اثنی عشر امیر، الا اثنی عشر چه. (در تحلیل این ها به مشکل برخورد کردند) مانند این را باید چه کار بکنند. منتها بنی امیه این را به مدد سمره بن جندب و جابر بن سمره پسر او تبدیل کردند - در اهل سنت این روایت از منقرات جابر بن سمره است - که آقا یعنی 12 تا پادشاه، بعد شما نگاه می کنید هر کسی آمده است یک تطبیقی کرده است یکی از آن ها می گوید: یزید بن معاویه جزء آن ها است، ولید اموی جز آن ها است. آن یکی می آید، می گوید: منظور پادشاهان بنی امیه هستند. بعد در عدد آن دچار مشکل می شوند، می بینند از خلیفه ی اول تا پایان بنی امیه 16 نفر می شوند. می گوید حالا دو نفر از این ها را کم می کنیم، دیگر معامله را به هم نزن. خلفای راشدین - حالا خلفای راشدین را خیلی قبول دارند - را کنار بگذار، بنی امیه را... آن یکی می گوید: بنی امیه را به خلفای راشدین ترجیح می دادی؟ یقه به یقه شدند (دچار اختلاف شدند) نتوانستند مسئله را حل بکنند. از غوامض

حدیثی است که نمی توانند بگویند... مثل این که رسول الله صلوات الله علیه یک معمایی فرموده است، امت خود را سر کار گذاشته است. 12 نفر هستند، هیچ کسی نمی داند این ها چه کسی هستند. اصلاً راجع به چه کسی دارد صحبت می کند. یکی گفته است: منظور او 12 حاکم همزمان بر 12 کشور اسلامی است. یکی گفته است: منظور ایشان آخر الزمان، قبل از قیامت است. هر کسی یک چیزی گفته است. بعد یکی از آن ها آمده است، آن را نقد کرده است.

اصل روایت ائمه ی اثنی عشر در روایات شیعه

این روایات یک اصلی داشته است. این در روایات ما است: «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ» (1) معنا خیلی روشن بوده است. «وَأَخْرَهُمْ» و اسم حضرت را گفتند که در آن قیام وجود دارد. حضرت حجت صلوات الله علیه. معنا خیلی روشن است. آن ها برای این که فرار بکنند، به سمت حاکمیت و سلطان بردند. بعد دیگر نمی دانند این را چه کار بکنند. این 12 نفر را چگونه انتخاب بکنیم؟ به ترتیب بشماریم 12 تای اول؟ شماره ی 11 چه ترجیحی به شماره ی 13 دارد؟ بعد چه بسا بعضی از آن ها افرادی هستند که مثلاً به قرآن تیر زده است، در حوض شراب با کنیز مرده زنا کرده است، اسلام به این قائم است؟ عزیز و منیع است؟ تیر انداز به قرآن. بعد آن وقت آن یکی را که بهتر از او می دادند... یا مثلاً خود آن ها هارون الرشید خیلی قبول دارند. چون انصافاً اگر به قوت سیاسی و نظامی باشد، زمان هارون بینظیر بوده است. یک سال حج می رفته است، یک سال به فتوحات می رفته است. کسی جرأت نمی کرده است به

ص: 8

جامعه‌ی اسلامی تعرّض بکند. از نظر قدرت نظامی. هارون در این دسته بندی نیست. بنی عبّاس بدتر از بنی امیّه هستند؟ هیچ طوری نتوانستند تطبیق بدهند.

کمک اهل بیت علیهم السلام به اهل سنّت در تحلیل روایت ائمه‌ی اثنی عشر

ائمه‌ی ما علیهم صلوات الله این جا آن شأن امامت را رها کردند، آمدند کمک کردند روایات اهل سنّت را ترمیم بکنند. بیش از 20 روایت داریم که ائمه‌ی ما... اکثر آن‌ها این طور است که «قالَ أَبِي جَعْفَرٌ حَدَّثَنِي أَبِي»، یعنی امام سجّاد صلوات الله علیه عن جدّی، عن امیر المؤمنین، عن رسول الله «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ» یعنی آن شأن را کنار گذاشتند، 12 امام را اسناد دادند، آمدند روایات مسند گفتند. چرا روایات مسند گفتند؟ چون امام باقر و امام صادق علیهم السلام نزد اهل سنّت ثقه هستند، خواستند روایات کمک آن‌ها بکنند. در مجلس درس امام صادق علیه السلام سنی می نشیند. می گوید: من از پدر خود شنیدم که قبول دارید. از پدرش شنیدم که قبول دارید. یکی در روایات ائمه‌ی اثنی عشر است.

اهمّیت مسئله‌ی غدیر در نزد اهل بیت علیهم السلام

این یکی را هم بگویم، جمع بندی بکنم ببینید اگر برای اهل بیت علیهم الصّلاه و السلام مسئله‌ی غدیر تا امروز مهم نبود... اگر 100 سال، 150 سال، 170 سال، 190 سال بعد از مسئله‌ی غدیر، غدیر اهمّیت دارد، 1190 سال هم اهمّیت دارد. یعنی اگر آن موضع خلافت گذشت، صد سال از آن گذشت برای امامان ما اهمّیت دارد بماند، پس زمان ندارد. درست است؟ چه خصوصیتی دارد؟ دوستان سال بعد با 1200 سال بعد فرقی نمی کند کما این که کسی عمر سیصد ساله‌ی امام زمان صلوات الله علیه را بپذیرد، 3300 سال ایشان را هم می پذیرد. یعنی اگر قرار

باشد از عرف و عادت خارج بشود، دیگر فرقی نمی‌کند. قاعده آن را می‌گیرد. یکی این جا است که ائمه ی ما روایات مسند بیان کردند. یعنی خواستند روایت بگویند. یعنی خواستند مسانید اهل سنت را ترمیم نکنند. یعنی خواستند آن‌ها را نجات بدهند، یعنی مسئله برای آن‌ها اهمیت داشته است و الا قال الباقر علیه السلام ائمه چند تا است؟ فرمود: بعضی از آن‌ها قد سبق و بعضی از آن‌ها هنوز نیامدند. خوب شیعیان را هدایت بکن؟ نه. سند می‌دهم که آن‌ها را هم لحاظ بکنم.

ایجاد اشکال برای اهل سنت در تبدیل لفظ امام به سلطان

مورد بعدی این روایات است؛ در اهل سنت روایات فراوانی وجود دارد «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعُهُ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»⁽¹⁾ این هم از آن چیزهایی است که هم حضرت زهرا سلام الله علیها (این را نابود کردند) با تانک از روی این‌ها رد شدند؛ هم سید الشهداء صلوات الله علیه رد شدند. مبانی فقه سیاسی این‌ها را منهدم کردند. چون بالاخره سید الشهداء صلوات الله علیه نه بیعت کرده است، بلکه بر علیه حاکم شرعی آن‌ها خروج کرده است بالاخره «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» که سید شباب اهل الجنة است. متواتر است این را چه کار بکنیم، یا باید خلیفه را چه کار بکنیم؟ آن‌ها با هم اختلاف دارند. آن‌جا امام را سمت حاکم، سلطان بردند. مثلاً «من ترک السّلمطان شبرا» «خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا»⁽²⁾ اصلاً. یعنی لفظ امام را برداشتند، به جای آن سلطان گذاشتند. «من ترک السّلمطان شبرا فقد مات، مات مِيتَةً الجاهلیه» «خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». کسی یک وجب از سلطان، از رئیس جمهور، از رئیس فلان دور بشود، این به مرگ جاهلی مرده است.

ص: 10

1-3- صحیح مسلم، ج 3، ص 1478، ح 1851

2-4- صحیح بخاری، ج 9، ص 47، ح 7053

بعد الآن هشتصد سال هم است که امامی ندارند. جهان اسلام سلطان ندارد. هشتصد سال است. یعنی جهان اسلام تکه پاره است.

در مباحثی که با دوستان بودمی مفصل بحث کردیم که این ها بین فسق و کفر کبیر مشکل پیدا کردند که اگر امامت از اصول باشد، هشتصد سال است امام نداریم. می شود خروج از دین، پس بگوییم از فروع است، باید بگوییم هشتصد سال فسق کبیر دارند. چرا فسق کبیر؟ چرا «أَتْبَاعِ الْأُمَّةِ عَلَى الْفِسْقِ» است. یک نفر نماز نمی خواند با کلّ جهان اسلام نماز نمی خواند فرق می کند. کلّ جهان اسلام امام ندارد. «وَمَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»⁽¹⁾ خلاصه این هم از آن معضلات غیر قابل حل است. باز این جا مصداق امامی که رسول الله معرفی کردند، سمت حاکم و سلطان و رئیس جمهور و این ها بردند، در معنای آن به مشکل برخورد کردند. باز این جا شما می بینید کتابی مجمع عالی حکمت اسلامی چاپ کرده است، اسانید این را بحث کرده است، اولاً حدیثی که در شیعه داریم حدیثی است که از آن معنای اصول دین برداشته می شود. چون جنس «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ»⁽²⁾، «لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ» با «وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ»⁽³⁾ فرق دارد. «وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ» فعل است. فقه است. «لَمْ يَعْرِفْ» معرفت است، از جنس اعتقاد است. آن ها می دانستند دارند چه کار می کنند. معنای آن را از معرفت به سمت عمل بردند که اصول فروع بشود. بعد در مصداق آن دچار مشکل شدند.

باز شما این جا روایات را نگاه بکنید. ائمه ی هدی علیهم صلوات الله تقریباً مصرّ هستند آنچه روایت در این زمینه

ص: 11

1-5- صحیح مسلم، ج 3، ص 1478، ح 1851

2-6- وسائل الشیعه، ج 16، ص 246

3-7- صحیح مسلم، ج 3، ص 1478، ح 1851

داریم... اکثر آن ها این طور است که مثلاً «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِي، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» یعنی اسانید اهل سنت را ترمیم کردند. این یعنی چه؟ امام باقر و امام صادق علیهم السلام وقت زیادی داشتند که بیایند بحث های شیعه و سنی راه بیندازند؟ هدایت امت مهم است. مسئله کهنه شدن نیست. مسئله ی پنج سال حکومت نیست. بنده گاهی می بینیم در فضاهای حوزوی هم از این روشنفکر بازی ها درمی آورند که این بحث ها گذشته است. اگر این بحث ها گذشته بود معنا نداشتند ائمه ی ما این کار را بکنند و من مقابل اساتید شرم دارم بگویم خود را مقصّر می دانم، ما امثال بنده عرضه نداشتیم امیر المؤمنین علیه السلام را معرفی بکنیم به نظر حقیر اکثریت اهل سنت بالای 95 درصد قاصر هستند، چون ما در تبلیغ مقصّر هستیم یک نمونه ی دیگر عرض می کنم که شما ملاحظه بفرمایید.

شرایط سخت دوران امامت امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام در چه شرایطی زندگی می کردند؟ امام هادی صلوات الله علیه در شرایطی زندگی می کردند که مسئله ی امامت در اوج خود قرار داشت. ائمه ی پایانی ما چون رسماً خود را امام معرفی می کردند مقامات ملکوتی آن ها روشن بود. شما می بینید امام هادی علیه السلام مثل زیارت جامعه ای دارد که در آن زیارت جامعه این همه اوصاف ملکوتی عجیب دارد. «آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» خدا به شما چیزی داده است، به احدی نداده است؛ آن افضلیت از انبیاء از این برداشته می شود، خیلی واضح است. «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ

عَلَيْكُمْ»، «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (1) آن جا به حالت حصر، جار و مجرور را مقدّم کرده است. این جا می گوید: «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ» یعنی معارفی که در زیارت جامعه وجود دارد، هر جایی مطرح نیست. آن هم به شکل زیارت که خوانده بشود و عمومی بشود.

سند صحیح زیارت غدیریّه ی امام هادی علیه السلام

می بینید امام هادی صلوات الله علیه در زیارتی که در غدیر به نجف اشرف مشرف می شوند، زیارت غدیریّه را می خوانند. امام عسکری صلوات الله علیه که امام معصوم است، شأن خود را پایین می آورد و راوی می شود. روایت زیارت غدیریّه به روایت امام عسکری علیه السلام عن آبیه است. شما نگاه بکنید در این زیارت غدیریّه به نظر حقیر اشتباه است که در ایام غدیر فضیلت امیر المؤمنین علیه السلام بیان بشود. بگذارید فضیلت امیر المؤمنین علیه السلام را در تولّد ایشان بگویید. غدیر مسئله ی امامت امیر المؤمنین علیه السلام است. امام هادی صلوات الله علیه که زیارت جامعه پر بارترین فضایل را آن جا بیان می کند، در زیارت غدیریّه که اصح سنداً است، روایات آن صحیح است، می شود به مضامین آن فتوا داد. طریق صحیح است. امام عسکری راوی است، در همین مفاتیح خود ما هم است متأسّفانه ناشناخته است.

ما خطبه ی غدیریّه را می خوانیم که این خطبه ی غدیریّه اشکالات جدّی سندی دارد، وصل پینه ای است. یک کتابی منتشر شده است اگر خواستید معرفی می کنم ببینید اشکالات سندی دارد، این که الآن وجود دارد -خطبه ی رسول الله صلوات الله علیه را عرض نمی کنم- نمی شود از آن دفاع کرد. طریق صحیح به آن نداریم. بعد 30 صفحه عربی می خوانیم T مردم سر تکان می دهند. اگر زیارت غدیریّه را می خواندیم، مردم پای

ص: 13

آن گریه می کردند، مردم با زیارت ارتباط بهتری برقرار می کنند.

اهمیت مطرح شدن مسئله ی امامت امیر المؤمنین علیه السلام در روز غدیر

امام هادی صلوات الله علیه برای ما نسخه پیچیدند، زیارت غدیریّه خواندند. در این زیارت غدیریّه 150 تا فضیلت برای امیر المؤمنین علیه السلام ذکر کردند. به سند صحیح 70 تا آیه ی قرآن گفته است. 70 آیه را تطبیق به امیر المؤمنین و دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام کرده است. آن جا شما نگاه بکنید در مباحث معارف ملکوتی امیر المؤمنین علیه السلام، فضایل ملکوتی امیر المؤمنین علیه السلام مطرح نیست. یعنی غدیر مسئله ی امامت است. فضایل حضرت را همیشه بگویند، ثواب دارد. روز غدیر و ایام غدیر عمدتاً باید امامت امیر المؤمنین علیه السلام مطرح بشود.

آن جا شما نگاه می کنید امام هادی علیه السلام در چه شرایطی؟ در شرایط بنی العباس، فقر شیعه؛ بروید ببینید حتماً دیدید در مقاتل الطالین می گوید: زمان امام هادی علیه السلام شرایط شیعه به قدری سخت بود که علویات ستر عورت نداشتند، یک پارچه بود نوبتی در آن نماز می خواندند. بعد آن جا توضیح می دهد که زن ها در مقابل هم، هم حجاب نداشتند. لذا طوری می نشستند که... هر کسی در یک گوشه ای می نشست. یعنی شیعه در اوج فقر بود. در این شرایط شما نگاه بکنید دوره ی امامت امام هادی علیه السلام زیارت غدیریّه است. امام هادی علیه السلام فرمود: «أَشْهَدُ... أَنْ الشَّاكَّ فَيْكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ»⁽¹⁾ خوب آقا این جا یک فضایل بگو. غدیر است. غدیر امامت امیر المؤمنین علیه السلام است. وقتی امام هادی علیه السلام حدود سال 245 هجری، یعنی 235 سال بعد از غدیر در فقر شیعه مسئله ی غدیر را مطرح می کند، یعنی ای شیعه هزار سال هم

ص: 14

از آن مسئله گذشت فرقی نمی کند. آن زمان چه خصوصیتی داشته است که حالا ندارد؟ همین خطبه که این جدای آن الحمدلله مفصل رسیده است، دستور داده است پیامبر اکرم صلوات الله علیه «فَلْيُبَلِّغْ... إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (1) پیغمبر باید چه کار می کرد؟ ما مدام اهل سنت را ملامت می کنیم که به حرف پیامبر گوش نکردید. خوب بسم الله ما که قرار است گوش بکنیم. «فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ» (2) «وَالْوَالِدُ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (3) یعنی هر کسی این را شنید، برود خبر بدهد.

عظمت روز عید غدیر

جگر من می سوزد از همین فروشنده های کوچه ی مروی برسید ببینید تأیید می کنند یا نه. چون بعضی از دوستان اتحادیه این چیزها با من دوست هستند. بگوئید بهترین ایام فروش این جنس های شما چه وقت است؟ می گویند: یکی از آن ها ولنتاین است. از آن طرف دنیا بلد هستند برای مردم ما شعیره درست بکنند. یک روزی که فساق و فجّار زن و مرد با هم هستند، به هم هدیه می دهند. الآن در کشور شیعه ی ما یکی از روزهایی است که بازار رونق دارد. می گوید می رویم برای ایام یوم الله ولنتاین جنس وارد می کنیم. بعد برای غدیر چه؟ دستور دادند هدیه بدهیم. باید چه کار می کردند؟ می گوید: اطعام بکنید مثل این که به همه ی انبیاء غذا دادی. شما نمی خواهید سفره بیندازید ابراهیم نبی سر سفره ی شما بنشیند یک پرس غذا بده. ائمه باید چه کار می کردند؟ ما روشنفکری بازی دریاوریم که وقت آن گذشته است. اگر وقت این گذشته است، ائمه علیهم السلام سر این موضوع عمر خود را تلف نمی کردند. می گفتند: گذشت، تمام شد. اگر آن ها در اطاعت از امیر المؤمنین علیه السلام و تبعیت از امیر

ص: 15

1-10- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 1، ص 62 /

2-11- تحف العقول، ص 34 /

3-12- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 1، ص 62 /

المؤمنین علیه السلام عدم تقض بیعت کم کاری کردند؛ والله ما در «فَلْيُبَلِّغْ» کم کاری کردیم. اهل سنت را رها نکنیم. غیر پا منبری ها مردم که در مساجد می آیند اصلاً غدیر برای مردم ما عید الله الاکبر است یا نه؟ انصافاً یک صدم یوم الله یکم فروردین هم نیست. آن جا دستور نداریم ولی این جا دستور داریم که خانه را تمیز نکنید. امام رضا علیه السلام یک فرصت کوچک به دست می آورند، ولیعهد می شوند، ضعف شیعه یک مدّت محدودی کم می شو؛ حضرت می فرماید: خانه ی خود را تمیز نکنید، لباس آراسته بپوشید، شیرینی بدهید، هدیه بدهید، اطعام نکنید. ما به شیعیان نرساندیم. کجا عید الله الاکبر است؟! برای همه ی سلیقه ها هم گفته است. گفته است: اگر می خواهید روزه بگیرید، روزه بگیرد به اندازه ی عمر دنیا روزه گرفتگی. اطعام بکنی مثل این که به همه ی انبیاء غذا دادی. انصافاً چه کار باید می کردند. خود من انصاف را رعایت بکنم، می گویم اهل سنت را رها نکن، ما باید یک کاری بکنیم صدای عید غدیر به همه ی جهان برسد، نرسیده است. بعد می آیم روشنفکر بازی در می آوریم، می گویم: مسئله تمام شده است.

عدم بیان مسائل اختلافی در بیان عظمت عید غدیر

نیاز هم نیست مسائل اختلافی و مسائل مورد اختلاف مطرح بشود. رأس اوّل مملکت سال 88 در اوج فتنه بروید نگاه بکنید در عید غدیر یک سخنرانی کردند، بعضی از نویسندگان آن سخنرانی را شرح کردند یک جلد کتاب شد. گاهی ما این قدر تند می رویم که... رأس اوّل مملکت که مبدع استراتژی وحدت است، سال 88 که داخل هم ما نظام و انتظام آن طوری نداشتیم، مفصل راجع به غدیر صحبت کرده است. شرح آن کتاب شده است. خدا این شاء الله ما

را کمک بکند، برای این که روز غدیر بتوانیم از عهد ی آن «فَلْيُبَلِّغْ» رسول الله بر بیاییم.

اولویت داشتن دلالت شیعه در مورد حدیث غدیر نسبت به اهل سنت

یک چیز را سال گذشته گفتم. حدیث غدیر به معنایی که شیعه می گوید در دلالت یک اولویتی دارد که تمام معانی که غیر شیعه می گویند آن اولویت را ندارند. این را سال گذشته بحث کردیم. دلالت حدیث غدیر در آن معنایی که شیعه می گوید افضل است اجمالاً یا اتّفاقی است بر دلالت آن معنایی که غیر شیعه می گویند. آن چیست؟

- از استفتاء شده بود که آیا ما حق داریم به یک نفر؟؟ مولا یا نه. گفته بودند: نه.

- این حرف خوبی است. مثلاً فرض کنید در صحیح مسلم داریم «وَلَا يَقُولُ الْعَبْدُ لِسَيِّدِهِ»⁽¹⁾ عبد به سیّد خود، عبد به مالک خود، نگویید مولای، چون مولا الله است، این حرف خوبی است. ولی سؤال من در جای دیگری است. عرض من این است ترجمه ی ما از «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» معنایی که از مولا می کنیم، دلالت آن افضل از معنایی است که دیگران می کنند.

- این که دلالت آن چیست؟

- بله به چه دلالتی است؟

- دلالت اولی بالتّصرف.

- آن که دلالت اولی بالتّصرف نیست. شما می گوید: معنای اصلی مولا اولی بالتّصرف است. آن ها می گویند: چیز دیگر است. حالا فرض کن شما می گوید: اولی بالتّصرف است، آن ها می گویند: مشترک لفظی است. ما می گوئیم: محب است، ناصر است؛ چه فرقی می کند.

- قرینه ی چیزهایی که اتّفاق افتاده است، بگوئید؛ نزد آن ها موجود نیست. ما می گوئیم: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ» هر کسی که من مولای او هستم، امام او هستم، اولی بالتّصرف او هستم، علی هم اولی بالتّصرف او

ص: 17

است. این چرا در مقام دلالت لفظی برتر است از این که هر کسی که من ناصر او هستم، علی ناصر او است؟

- معنای تحت اللفظی آن است که هر کسی که من دوست او هستم، علی نیز دوست او است.

- می گوید: خوب تکلیف برای مردم نیاورد. پیغمبر یک جمله اخبار کردند.

- حالا خواستند به مردم هم خبر بدهند.

- قبل از آن که از مردم اقرار می گیرد، می خواهد اقرار بگیرد ادامه ی جمله ی خود را اثبات بکند. به قرینه ی جمله ی قبل متوجه می شویم که این جا...

- این ها حرف های بدی نیست.

- نسبت به بعضی از معانی مثل همسایه، خود همین جمله معنی درستی نمی دهد.

- خوب همسایه نه، ولی محب و ناصر چه؟

- آن خوب می گویند: منفرد است، یک طریق دارد و فرد مجهول در طریق آن است.

- یکی شدن با همدیگر معنی نمی دهد.

- نه.

- نسبتی که پیغمبر دارد. نسبتی که من با شما دارم، همان نسبت را امیر المؤمنین علیه السّلام هم با شما دارد.

- بله آن حرف درستی است. این که ما عرض می کنیم نیست.

بیان عظمت شأن و مقام امیر المؤمنین علیه السلام در بین بزرگان اهل سنّت

از عجایب روزگار - به یاد دارید عرض کردم - نوه ی خود خلیفه ی شماره ی دو گفت: چون فضیلت علی بن ابی طالب در درون مگّه به دنیا آمدن را به صورت شعر در آوردم، احتراماً دیگر برای جدّ خود شعر نمی گویم که این دهان دیگر ناپاک نشود. این ها از عجایب است که ما به مردم نرساندیم و اگر به یاد داشته باشید عرض کردم آلوسی شعر عبد الباقی العمری را شرح کرده است، شیعیان تا به حال نخواندند؛ در حالی که آلوسی کسی است که کتاب

در ردّ شیعه دارد. یکی از جاهایی که جالب است... ما سر سفره ی علامه ی امینی نشستیم. ابو الفتح کشاجم، نواده ی سندی بن هاشک قاتل موسی بن جعفر علیه السلام است. او غدیریّه سروده است، شعر در مدح امیر المؤمنین علیه السلام سروده است. یک بیت از آن شعر را یک کسی بخواند. قبول دارید باید بدانیم؟ بندیکت منفی سی و ششم وامق نصرانی - یعنی مثل پاپ امروز - قرن سوم پاپ بزرگ نصرانی ها است، وامق نصرانی در مدح امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر شعر سروده است. خدا می داند این ها را برای مردم بگوئیم جذّابیت دارد. این ها را رها بکنید.

- این شعر عربی است؟

- بله شعر عربی است. شعر را بخوانید.

ترغیب بزرگان و شعرا در بیان خطبه ی غدیریّه

- یک نکته عرض بکنم. مرحوم میرزای شیرازی رحمه الله علیه به تأسی از ائمه علیهم السلام... این شوخی نیست که وقتی امام باقر صلوات الله علیه به اهل خانه می فرمایند: هر کسی زیور آیات دارد در یک پارچه بریزید و این را به شاعر بدهیم. یعنی شعر رسانه است. یعنی به دست مردم برسانید، طلا می دهیم این را به دست مردم برسانید. مرحوم شیرازی - این را می گوئیم که إن شاء الله مدیریت حوزه این کار را بکنند - شعرا را دعوت می کردند، روز غدیر شعر می خواندند، پول عراقی نمی داده است لیره ی انگلیسی می داده است. مثل این می ماند که شما شعرا را دعوت بکنید، غدیریّه بگویند، دلار بدهید. این برای چه بوده است؟ برای این بوده است که ترغیب بکنند به جای این که بروند مدح فلان خان و فلان سلطان را بگویند، غدیر امیر المؤمنین علیه السلام را بیان بکنند. یکی از دوستان 14 تا آیه

ص: 19

در مدح امیر المؤمنین بیان بکند که مجلس، مجلس فضیلت بشود.

- «فَقَالَ لَهُمْ مَنْ كُنْتُ»

- «مَوْلَاهُ لَهُ *** فَمَوْلَاكُمْ»

- «بَعْدَى عَلِيِّ بْنِ فَاطِمَةَ»

- وامق نصرانی می گوید. از شعر سید رضا هندی دو بیت بخوانید. اجازه بدهید آن 14 آیه در فضیلت امیر المؤمنین علیه السلام را دارند می گویند.

- آیه ی آخر سوره ی رعد.

- دو تا لیله المبیّت. آیه ی مباحله سه تا.

- سوره بیّنه.

- سوره ی بیّنه چهار تا.

- سوره ی والعادیات.

- با والعادیات پنج تا.

- «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» (1)

- شش تا.

ص: 20

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

